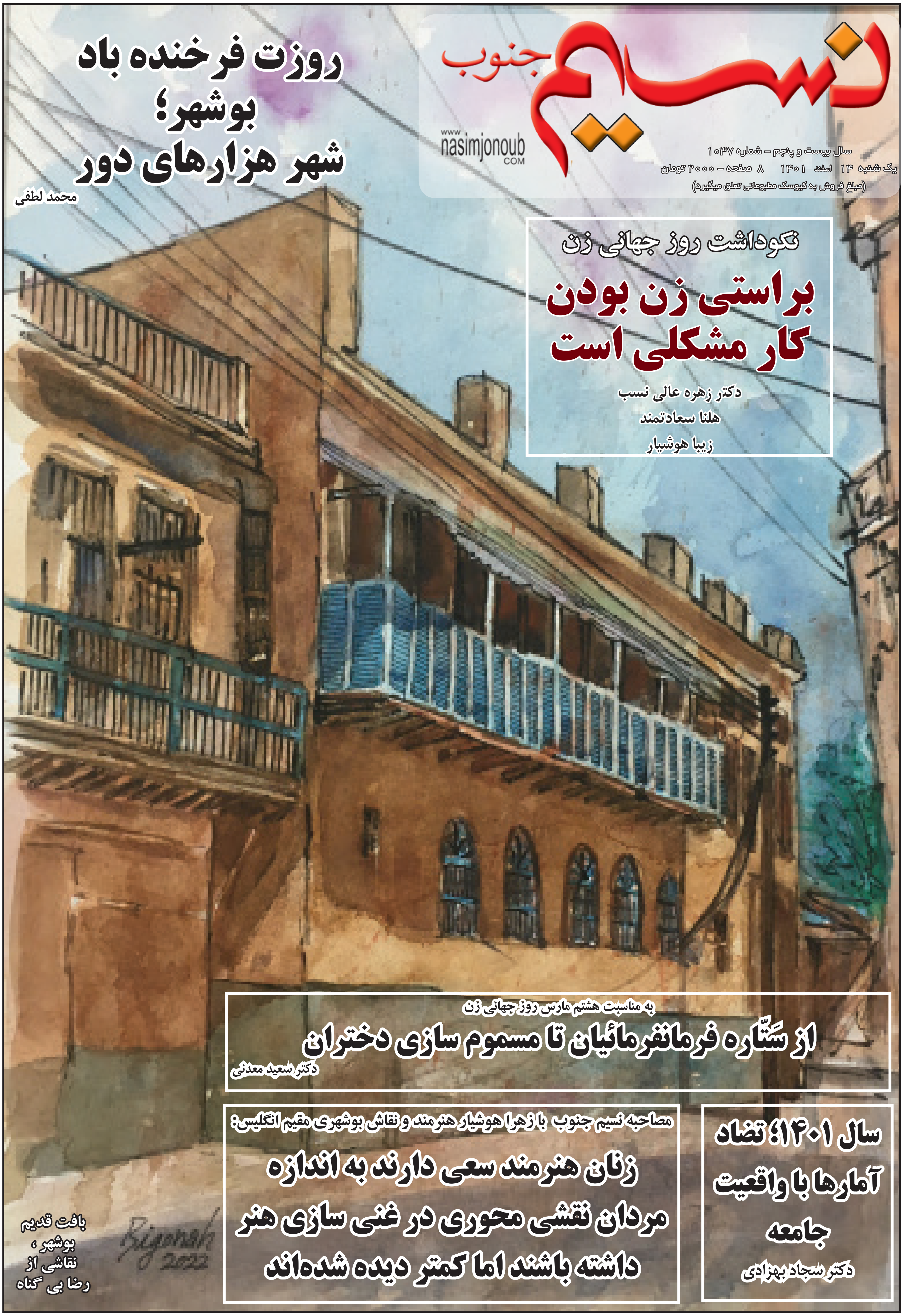
نسیم جنوب

www nasimjonoub COM

سال بیست و پنجم – شماره ۱۰۳۷

یک شنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۱ ۸ صفحه – ۲۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق میگیرد)



روزت فرخنده باد بوشهر؛ شهر هزارهای دور

محمد لطفی

نکوداشت روز جهانی زن

براستی زن بودن کار مشکلی است

دکتر زهره عالی نسب

هلنا سعادتمند

زیبا هوشیار

به مناسبت هشتم مارس روز جهانی زن

از سَتّاره فرمانفرمائیان تا مسموم سازی دختران

دکتر سعید معدنی

مصاحبه نسیم جنوب با زهرا هوشیار هنرمند و نقاش بوشهری مقیم انگلیس:

زنان هنرمند سعی دارند به اندازه مردان نقشی محوری در غنی سازی هنر داشته باشند اما کمتر دیده شده‌اند

سال ۱۴۰۱؛ تضاد آمارها با واقعیت جامعه

دکتر سجاد بهزادی

بافت قدیم بوشهر، نقاشی از رضا بی گناه

ثبت‌نام اولین نمایشگاه صنایع دریایی و فراساحل ایران در بوشهر آغاز شد

دبیر اجرایی اولین نمایشگاه بین‌المللی صنایع دریایی و فراساحل ایران گفت: ثبت‌نام متقاضیان شرکت در نمایشگاه صنایع دریایی و فراساحل ایران ۲۰۲۳ آغاز شده و متقاضیان شرکت در نمایشگاه می‌توانند درخواست اولیه خود را از طریق وبسایت نمایشگاه (IMOE.IR) انجام دهند.

احمد فقیه‌احمدانی اظهار کرد: این نمایشگاه فرصتی ممتاز برای تمامی فعالان اقتصاد در یاپایه کشور به منظور تامین و دستیابی به اهداف تجاری، رونق کسب و کار و کمک به ایجاد اشتغال پایدار است.

وی افزود: با توجه به تنوع گروه‌های کالایی، کثرت متقاضیان، مشارکت و گستردگی نمایشگاه



صنایع دریایی و فراساحل ۲۰۲۳ و به منظور تسهیل و تسریع در امر جانمایی و رفاه حال مشارکت‌کنندگان، جانمایی غرفه‌ها و ذخیره اولیه جهت شرکت در این نمایشگاه نیز به شکل اینترنتی انجام می شود.

دبیر اجرایی اولین نمایشگاه بین‌المللی صنایع دریایی و فراساحل ایران تصریح کرد: علاقمندان در صورت نیـــــاز به کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند از طریق شماره تلفن‌های ۰۹۰۰۹۲۰۲۶۴۶ و ۰۹۰۰۹۴۰۲۶۴۶ تماس و یا به پست الکترونیکی info@imoe.ir مراجعه کنند.

وی افزود: اولین نمایشگاه بین‌المللی شرکت تدبیراندیشان ایده‌بان لیان و با همکاری شرکت نفت فلات قاره ایران و شرکت نمایشگاه‌های بین‌المللی استان بوشهر در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی بوشهر برگزار می شود.

شیوع بیماری‌های ناشناخته در میان ساکنان کنگان و عسلویه

بروز بیماری‌های ناشناخته و از بدو تولد در نوزادان عسلویه به‌شدت افزایش یافته است

به گفته برخی کارشناسان و سازمان‌ها، آلودگی هوای عسلویه ۱۰۰ برابر شهر تهران استـ ایران محمدرضا جعفری، پژوهشگر توسعه و محیط زیست، از ابعاد دیگری از زندگی فلاکت‌بار ۷۰هزار کارگر در مناطق کنگان و عسلویه پرده برداشت و از تشدید شیوع بیماری ناشناخته‌ای در این مناطق خبر داد.

جعفری در گفت‌وگو با تازه‌ترین شماره روزنامه هم‌میهن، اعلام کرد شرایط کارگران این مناطق صنعتی «به‌شدت وخیم» است و برای بهبود شرایط آن‌ها هم چشم‌اندازی وجود ندارد.

او کار پرمشقت بالای ۱۲ ساعت در روز، بروز بیماری‌های جسمی و روانی ناشی از آن، روزهای کاری متوالی بدون مرخصی و اسکان در کمپ‌های فرسوده، شلوغ و غیراستاندارد را از جمله مصادیق زندگی سخت این کارگران برشمرد.

این پژوهشگر می‌گوید کارگران این مناطق به تسهیلات رفاهی و تفریحی دسترسی ندارند، کیفیت و کمیت غذای آنان پایین است و برای استراحت و تغذیه زمان کافی و مکان مناسب ندارد. جعفری شیوع بالای اعتیاد، طبقه‌بندی کارگران به رده اول و دوم و تحمیل تبعیض‌های شدیدتر در رده‌های پایین‌تر، تکرار حوادث کارگاهی، پرداخت نامنظم حقوق و حق بیمه کارگران و بی‌ثباتی شغلی و از همه مهم‌تر دستمزدهای ناچیز را از دیگر رنج‌های این کارگران برشمرد.

به گفته او، کارگران عسلویه ۹ ماه از سال را در دمای بالای ۵۰ درجه کار می کنند و قانونی هم نیست که از آن‌ها در برابر «همدستی پنهان مدیران و شرکت‌های خصوصی» حمایت کند.

این پژوهشگر به عوارض انسانی و زیست محیطی فعالیت‌های صنعتی و شیمیایی در این مناطق هم اشاره کرد و گفت بروز بیماری‌های ناشناخته و از بدو تولد در میان نوزادان ساکنان این منطقه به‌شدت رایج شده است. وجود بیش از ۲۰ آلاینده خطرناک مانند بنزن و فلرهای غیراستاندارد برای سوزاندن گازهای مختلف هم موارد ابتلا به سرطان و بیماری‌های تنفسی را در این مناطق افزایش داده است.

نتایج پژوهش‌ها هم نشان می‌دهد فلزات سنگین خطرناک و هیدروکربن‌های آروماتیک چندحلقه‌ای به‌عنوان محصولات سمی پتروشیمی و گاز عسلویه آثار سوء خود را بر سلامت ساکنان این منطقه به جا گذاشته‌اند. آن‌طور که این پژوهشگر فاش کرده، میعانات گازی در این منطقه به آب‌های زیرزمینی عسلویه وارد شده و سلامتی ساکنان این منطقه را به خطر انداخته است.

یکی از پزشکان شاغل در عسلویه که نخواست نامش فاش شود هم گفت: «فعالیت‌های صنعتی در منطقه عسلویه بر سلامتی مردم ساکن در منطقه و شهرهای اطراف تاثیر گذاشته است.»

عسلویه قطب اقتصادی، انرژی و صنعتی گاز ایران است؛ جایی که در آن، دمای هوا در برخی روزهای تابستان به ۶۵ درجه سانتی‌گراد و درجه رطوبت به ۹۵ درصد می‌رسد و شاید سخت‌ترین محیط کاری در ایران محسوب شود. به گفته برخی کارشناسان و سازمان‌ها، آلودگی هوای این منطقه ۱۰۰ برابر تهران است و تولید مواد و پسماندهای شیمیایی و هدایت این مواد آلوده‌کننده به سمت مشعل‌ها خطر ابتلا به بیماری‌های تنفسی را افزایش داده است. نتایج برخی مطالعات هم آشکار می‌کند که بیماری‌های آسم، آلرژی و اگزما در منطقه عسلویه نسبت به سایر شهرهای ایران شایع‌تر و آلودگی‌های صنعتی و شیمیایی مهم‌ترین علت بروز این مسئله است.

سال ۱۳۹۸ هم شکرالله فرخی، مسئول وقت دبیرخانه پایش آلودگی صنایع نفت، گاز و انرژی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، از وجود فلزات سنگین در ادرار دانش‌آموزان ابتدایی عسلویه خبر داده بود. بررسی فرخی و همکارانش در آن سال آشکار کرد که شیوع آسم بین دانش‌آموزان شهر عسلویه ۸۹ درصد است که بسیار بالاتر از نرخ شیوع آسم در خاورمیانه و حتی خود بوشهر است. بخش دیگری از نتایج این بررسی نشان داد که نرخ شیوع سرطان ریه و سرطان حنجره هم در میان ساکنان این منطقه به‌مراتب بیشتر از سایر مناطق ایران است.

۴۷ هکتار اراضی نظامی به شهر بوشهر ملحق می‌شود

استاندار بوشهر: با توافق انجام شده با ارتش و ستاد کل نیروهای مسلح، ۴۷ هکتار از زمین‌های محدوده پادگان نظامی پدافند هوایی در منطقه ریشهر به محدوده شهر بوشهر ملحق می‌شود.

با این توافق، محدوده مشخص شده از محدوده نظامی خارج و منافع این اقدام مشمول حال همه بخش‌ها از جمله ارتش جمهوری اسلامی می‌شود.

ترکیب ۱۵ نفره اتاق بازرگانی بوشهر مشخص شد

در برگزاری انتخابات اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی استان بوشهر، از میان ۶۲۰ داوطلب، با رای اعضا، ترکیب جدید ۱۵ نفره این مجموعه در استان مشخص شد.

در بخش بازرگانی، خورشید گزدرازی، عبدالرسول ابراهیمی، حسین مظفری، میلاد خوددامی و سجاد یکوکسان، بخش صنعت سید جبار موسوی، ندیر پورجم، سید حسین رضوی، محمد صادق علامی و آرمان گتویی‌زاده ، حوزه کشاورزی امیر شهریاری، ابراهیم زکی و اسماعیل مومنی و در بخش معدن نیز احمد مرادی و عباس موحدفر انتخاب شدند.

مجوز راه‌اندازی موزه تاریخی خارگ صادر شد

با موافقت میراث فرهنگی و گردشگری بوشهر مجوز موزه تاریخی جزیره خارگ صادر شد.

احداث آزمایشگاه مرکزی در بیمارستان خورموج توسط یک خیر

رئیس دانشگاه علوم‌پزشکی بوشهر از امضای تفاهم‌نامه احداث آزمایشگاه مرکزی، بخش تالاسمی، تشخیص طبی و بانک خون بیمارستان زینبیه خورموج خبر داد.

این پروژه خیرساز با متراژ یک‌هزار مترمربع در یک طبقه، توسط خیر حوزه سلامت، سید محمدامین حسینی‌حبیبی ساخته خواهد شد.

احکام رتبه‌بندی فرهنگیان استان بوشهر صادر شد

مدیرکل آموزش‌وپرورش استان بوشهر: احکام رتبه‌بندی همه فرهنگیان شاغل و پیشکسوت مشمول قانون رتبه‌بندی این استان صادر شده است. اگر همکاران نسبت به رتبه تعیین شده معترض باشند، می‌توانند با مراجعه به سامانه my.medu.ir اعتراض خود را ثبت کنند.

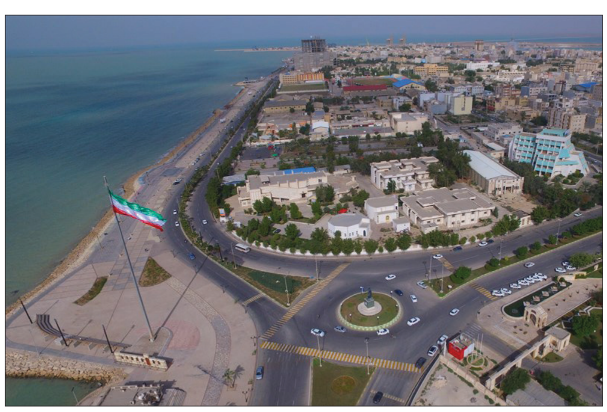
در صورتی که گزینه ثبت اعتراض برای برخی از معلمان فعال نشده باشد، این قابلیت در روزهای آتی برای آن‌ها نیز فعال می‌شود.

از زمان فعال شدن گزینه ثبت اعتراض، همکاران حداکثر تا ۱۰ روز فرصت ثبت درخواست خود را دارند.

بیمه ملوانان و صیادان

نماینده جنوب استان بوشهر و عضو کمیسیون بنادر و مرزنشینان مجلس؛ از بررسی بخش هزینه‌ای لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ در جلسه ۱۴ اسفند ۴۰۱ مجلس خبر داد و گفت: با مصوبه مجلس؛ دولت مکلف است از محل وجوه حاصل از واگذاری اموال و دارایی‌های طرح تملک دارایی به پرداخت سهم خود به‌منظور بیمه ملوانان و صیادان دارای کارت فعال در سواحل جنوبی و شمال کشور اقدام کند.

آماده باش دستگاه‌های اجرایی استان بوشهر در نوروز



معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار بوشهر گفت: در راستای ارتقا ایمنی، جلوگیری از حوادث و رسیدگی به وقایع احتمالی، دستگاه‌های عضو مدیریت بحران استان در اجرای طرح ویژه نوروزی در آماده‌باش قرار دارند.

به گزارش خبرگزاری تسنیم از بوشهر، محمد هادی رستمیان در جلسه طرح آمادگی برای پاسخ به حوادث احتمالی در استان بوشهر ویژه طرح نوروزی با تأکید بر توجه به ایمنی، امنیت، آسایش و آرامش نوروزی با بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های خدماتی، فرهنگی و اجتماعی، اظهار داشت: آرامش، امنیت و سلامت مردم استان و مسافران نوروزی در اولویت قرار داشته باشد در این راستا و لزوم آماده‌باش همه دستگاه‌های اجرایی، خدماتی و امدادی برای مقابله با هرگونه حوادث ضروری است.

وی رفع نقاط حادثه‌خیز جاده‌ای استان را مورد تأکید قرار داد و بیان کرد: شناسایی و پایش نقاط پرخطر و حادثه‌خیز استان برای پیشگیری از بروز حوادث ضروری است و محورهای مواصلاتی خطرآفرین مورد توجه ویژه قرار بگیرد.

معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار بوشهر مصوبات ستاد مدیریت بحران استان را لازم‌الاجرا دانست و گفت: در راستای ارتقا ایمنی، جلوگیری از حوادث و رسیدگی به وقایع احتمالی، دستگاه‌های عضو مدیریت بحران استان در اجرای طرح ویژه نوروزی در آماده‌باش قرار دارند.

مدیرکل مدیریت بحران استان بوشهر نیز هماهنگی و برنامه‌ریزی برای آمادگی طرح نوروزی را مورد اشاره قرار داد و خاطرنشان کرد: آمادگی دستگاه‌های اجرایی، امدادی و عملیاتی استان برای پاسخ به موقع و موثر حوادث احتمالی و مخاطرات ایام نوروز ضروری است.

کورش دهقان ادامه داد: هماهنگی بین دستگاه‌های متولی برای آمادگی مقابله با حریق و آتش‌سوزی در منابع طبیعی، مراتع و جنگل‌ها در ایام فصل بهار مورد توجه قرار گرفته شود.

وی از آماده‌باش دستگاه‌های اورژانس، بیمارستان‌ها و سایر دستگاه‌های امدادی برای رسیدگی به حوادث خبر داد و بیان کرد: به‌کارگیری تجهیزات، ماشین‌آلات، بالگرد و سایر امکانات امدادی برای ارتقا ایمنی در محیط‌های مختلف گردشگری با مشارکت شهرداری‌ها و دهیاری‌ها در دستور کار قرار گرفته است.

مدیرکل مدیریت بحران استان بوشهر هماهنگی و برنامه‌ریزی برای آمادگی یگان‌های عملیاتی و امدادی استان در ایام تعطیلات نوروز را مورد تأکید قرار داد و تصریح کرد: ساماندهی کوچ عشایر و برنامه‌ریزی در امر مشارکت مدیریت مراتع یک ضرورت است.

سال ۱۴۰۱؛ تضاد آمارها با واقعیت جامعه



سجاد بهزادی – سال ۱۴۰۱ به نوعی با همه ۴۴ سال قبل تر؛ بر عموم ایرانیان متفاوت گذشت. زندگی سخت تر شد و شعله های خشم در لایه هایی از جامعه به دلایل فراوان زبانه کشید. رکود و تورم افسارگسیخته، بخش های مهم تولید و زندگی در جامعه را فلج کرد و سبب سقوط آزاد طبق متوسط ایران شد. اما از طرفی آمارهای دولت و کل ساختار حکم رانی به گونه ای دیگر منتشر می شد و رئیس جمهور نیز همواره تاکید داشت "قطار پیشرفت کشور بدون توقف و پرشتاب حرکت خواهد کرد." ساختار حاکمیت آمارهایی بیرون می داد که بسیاری از مردم کمتر حقیقت آن را در زندگی شان حس می کردند و بسیاری از آمارهای منتشر شده را در تضاد با واقعیت های موجود می دانستند.

روزنامه جمهوری اسلامی در همین ارتباط نوشت: "وقتی سخنان مسئولان محترم را می‌شنویم این تصویر جلوی چشممان شکل می‌گیرد که همه چیز درست است و "قطار پیشرفت" با سرعت در حرکت است. اما آن چه به شتاب در حال حرکت است،گرانی و تورم است، نزول لحظه به لحظه ارزش پول ملی است. شوربختانه سرعت این فرایند هم هردم بیشتر و بیشتر می‌شود. چطور می‌شود در یک کشور واحد زندگی کنیم و آنچه‌هایمان این قدر متفاوت باشد؟ نکند یک کشور سومی وجود دارد که حضرات از آن گزارش می‌دهند که تجربه می کنند ولی ما از آن بی‌خبریم."

سخن نخست:

به راستی سخنان و آمارهای دقیق نظام حکم رانی و مسئولان ما در سال ۱۴۰۱ چه بود و چرا آن طور که روزنامه جمهوری اسلامی نوشته است، میان وضعیت موجود و آمارهای مسئولان این قدر فاصله است و آمارها و سخنان مسئولان دقیقا از کجا نشات می گیرد و خواستگاه این سخنان کجاست؟ در این بخش از یادداشت به برخی از این سخنان که منابع دقیق همگی آنها، رسانه های رسمی کشور هست و با یک جستجوی ساده در اینترنت قابل مشاهده می باشد اشاره می کنم.

• رئیس جمهور دستور داد که سالانه یک میلیون اشتغال در کشور ایجاد شود که این موضوع به خوبی محقق شد... امروز شاهد هستیم امید به زندگی از ۵۴ سال به ۸۸ سال رسیده است.

• هیچ خبرنگاری در جریان ناآرامی ها بازداشت نشد... ایران و ترکیه دو کشوری هستند که در منطقه از قوی‌ترین دموکراسی برخوردارند. ایران یکی از قوی‌ترین دموکراسی‌ها را در منطقه دارد.

• از سال ۵۷ تا کنون کشور ما رشد ۹۳ پله‌ای در شاخص امید به زندگی داشته است.طبق آمارها در ابتدای انقلاب رتبه ما در بین کشورهای جهان ۱۴۲ بود، اما امروز ۴۹ است.

• هیچ کجای دنیا نمی‌توانید میزان حمایت ما از زندانیان را ببینید.

• پیشرفتی که جمهوری اسلامی طی چهل و چند سال اخیر داشته با کشورهای منطقه قابل مقایسه نیست.

• کارآمدی در کشور، موج می‌زند.

• همان طور که دیدیم اصلاحات اقتصادی کشور به خوبی پیش رفت و با کمترین پیامدها به نتیجه رسید.

• ما در مرحله تدوین قانون جدیدی برای جهان هستیم... انقلاب اسلامی در جهان، خودآگاهی ایجاد کرده و کار به جایی رسیده که تمدن غرب و نظم آن در آستانه فروپاشی قرار گرفته است.

• همه مشکلاتی که داریم به خاطر مقتدر بودن نظام است.

• ایران امروز گسترده‌ترین روابط اقتصادی را با جهان دارد... امروز دشمن در برابر ملت ما به استیصال رسیده است.

• روز به روز وضعیت اقتصادی کشور رو به بهبود است.

• خوشحالیم که مردم خوشنودند که در بارش‌های اخیر برف «گرفتار» نشدند.

• در زمان اغتشاشات اینترنت را قطع نکردیم.

سخن دومین:

همین طور که در بخش نخستین این یادداشت آمده است دیدگاه های مسئولان و مدیریت نظام حکم رانی در سال ۱۴۰۱، تصویری از یک جامعه خوشبخت را نشان می دهد که برای جهان قانون تدوین می کند. مقتدر است.کارآمدی در آن موج می زند. گسترده ترین روابط اقتصادی با جهان را دارد. پیشرفت آن با کشورهای منطقه قابل مقایسه نیست. قوی ترین دمکراسی دارد و امید به زندگی مردمانش دوشادوش کشورهای اسکاندیناوی به ۸۸ سال رسیده است.



ما آمارهای رسمی که باز توسط همین رسانه های رسمی کشور در سال ۱۴۰۱ منتشر شد در تضاد عمیق با باورهای مسئولان است. در قسمت دوم از این یادداشت به برخی از این آمارها که منابع دقیق همگی آنها رسانه های رسمی کشور هست و با یک جستجوی ساده در اینترنت قابل مشاهده می باشد اشاره می کنم.

• روزنامه اعتماد نوشت: هزینه سیر کردن شکم یک خانواده ۴ نفره/ یک وعده غذا چند در می آید؟در صورتی که یک خانواده ۴ نفره بخواهند برای ناهار زرشک‌پلو با مرغ بخورند باید برای یک کیلو برنج ایرانی ۱۳۰ هزار تومان و برای ۴ تکه ران مرغ ۱۶۲ هزار تومان و برای ۱۰۰ گرم روغن ۹ هزار تومان و برای یک پیاله ماست حدود ۲۰۰ گرم ۸ هزار تومان هزینه کنند که جمعا برای این ناهار باید ۳۰۹ هزار تومان هزینه کنند.

• زنگ خطر در اقتصاد ایران به صدا درآمده است و اضافه برداشت ۳۱هزار میلیارد تومانی بانک‌ها بیشترین رقم در دو سال گذشته ثبت کرده و این اتفاق می‌تواند عواقب تورمی شدیدی در پی داشته باشد.

• گفته می شود نزدیک به ۱۳ میلیارد دلار فرار سرمایه از کشور در نیمه ابتدایی امسال رخ داده که نزدیک به دو برابر مشابه پارسال و بیش از سه برابر شش ماهه اول سال ۱۳۹۹ است.

• آقایان برای توجیه عملکرد خود آمارسازی می کنند مثلا می گویند در سال ۵۷ مردم داشتند از گشنگی می مردند یا آقای رئیسی با تورم ۶۰درصد دولت را تحویل گرفت. حال آن که گزارش های مرکز آمار این ادعاها را تأیید نمی کند.

• سالانه حدود پنج درصد به شمار مبتلایان به سرطان در ایران اضافه می‌شود و برای دو دهه آینده ۱۱۵ درصد افزایش پیش‌بینی شده است در حالی که رقم متوسط جهانی آن ۶۳ درصد است.

• در ایران سالانه بیش از ۱۳۵ هزار نفر به سرطان مبتلا می‌شوند. یک شهروند تهرانی از افزایش ۸۰۰ درصدی قیمت یک قلم داروی سرطان ریه خبر داد که باعث شد کل نسخه یک ماهه دارویی پدرش را با رقمی معادل ۱۳۰ میلیون تومان مواجه کند.

• کشور به شرایطی درافتاده است که برای مدیریت بازار ارز، خبر آزادسازی ۳۰۰ میلیون یورو از منابع ارزی ایران در عراق می‌دهند، در حالیکه درآمد ارزی این همسایه «دوست و برادر» در سال گذشته «روزی ۳۰۰ میلیون یورو» بوده.

• بر اساس آماری که وب‌سایت سرف‌شارک (Surfshark) منتشر کرده است، ایران دومین کشور جهان است که بیشترین میزان محدودیت در اینترنت را دارد.

• آمار طلاق روز به روز رو به افزایش است.

• در پیمایش بهار و تابستان ۱۴۰۱ رصدخانه مهاجرت ایران، از میان فارغ‌التحصیلان و دانشجویان کشور مشخص شد که ۵۳ درصد افراد تصور بسیار بد و ۲۰ درصد تصور بدی نسبت به آینده‌ی کشور دارند.

سخن پایانی

آمارهایی که مستند در دو بخش ابتدایی یادداشت آمده، نشان می دهد که سال ۱۴۰۱ را می توان سال تضاد در آمارها با واقعیت های جامعه دانست. اما چرا باید نوع حکم رانی و بی اعتمادی در یک جامعه به گونه ای باشد که آمارها با هم گاها فاصله ای نجومی داشته باشند و این وضعیت مبهم و تاریک از آمار، کدام مشکل جامعه را حل خواهد کرد؟

تناقض و تفاوت آمار در درون یک جامعه، سبب می شود که برنامه ریزی و حکم رانی بر مبنای یک معیاری غلط انجام شود. مگر نه آن است که به قول دکتر سریع القلم یکی از ویژگی‌های یک سیاستمدار خوب "آشنایی و با آمار است و باید سیاستمدار خوب متوجه تفاوت آمار کشورها باشد." پس چرا ما این قدر به آمار درست که حقیقت جامعه را نمایندگی کند بی اعتناء هستیم.

دولت در هر کجای جهان اگر توسعه گرا باشد نمی تواند به آمار واقعی جامعه توجهی نداشته باشد؛ زیرا که توسعه بدون آمار واقعی محکوم به ابطال است. اما اگر یک دولت توتالیتر باشد و نوع حکم رانی آن با هدف موج سواری بر توده های مردم باشد؛ تناقض در آمار روز به روز بیش تر می شود و حتی در نهایت با پدیده ای روبرو خواهیم بود که نگران وارونه نشان دادن هیچ آماری نیست. امیدوارم آمارها در سال جدید به گونه ای اعلام شود که مردم نشانه های هر آماری را عینا در زندگی شخصی و حوزه های عمومی ببینند و این امر به تقویت اعتماد عمومی نیز کمک بزرگی خواهد کرد./ عصر ایران

زندگی آگاهانه

موفقیت فقط در گرو تلاش نیست

حسین زیراهی - مدرس مهارتهای توسعه فردی



در ادبیات موفقیت مسئولیت موفقیت فرد بطور کامل و صددرصد متوجه خود او است. ولی این به معنی این نیست که اگر فردی موفق نبود صددرصد تقصیر هم گردن او باشد. چون به غیر از تلاش و کوشش عوامل دیگری هم در موفقیت یا عدم موفقیت او دخیل است. ضمن این که همه نمی‌توانند به اندازه هم موفق شوند. مثلا هر کسی نمی‌تواند بیل گیتس، ایلان ماسک یا جف بزوس شود؟ چون قطعا شرایطی که آنها داشته‌اند برای همگان مهیا نیست.

متاسفانه برخی مدرسان انگیزشی بدون این که هیچ ابزار یا نقشه راهی به مخاطبان خود نشان دهند این طور به آنان تلقین می‌کنند که شما هر آرزویی داشته باشید می‌توانید به آن برسید و هیچ حد و مرزی برای آرزوهای شما وجود ندارد. مثلا در سمینارهای انگیزشی به مخاطبان گفته می‌شود مقدار پولی که می‌خواهید را بدون محدودیت بنویسید. مورد بوده فردی با درآمد صفر گفته می‌خواهم صد میلیارد دلار داشته باشم. رقمی بیش از دو برابر فروش سالانه نفت و گاز و پتروشیمی کشور. بعد که فرد نتوانست مبلغی که هدف‌گذاری کرده را بدست بیاورد سرخورده و ناامید شده و خود را سرزنش می‌کند.

هر انسانی همیشه از آن جایگاهی که دارد می‌تواند بالاتر رود. ولی نمی‌تواند از نقطه صفر اکنون خود به جایگاه رفیع فرد دیگری برسد که هیچ شباهتی به او ندارد. مدرسان رشد فردی همواره می‌گویند مهمترین عامل برای موفقیت تلاش است. تلاش برای موفق تر شدن از اکنون خود لازم است ولی برای رسیدن به دیگری هرگز کافی نیست. به غیر از تلاش عوامل دیگری مانند استعداد، محل زندگی، وضعیت خانوادگی و اجتماعی، اتفاقات غیرقابل پیش‌بینی و شانس در موفقیت فرد موثر است. به این دلیل صرفا بر تلاش تاکید می‌شود که تنها عاملی است که در کنترل فرد است. بقیه عوامل هر کدام به او تحمیل می‌شود. کسی که در نقطه بهتری از دنیا متولد می‌شود، از ژنتیک بهتری برخوردار است، خانواده سطح بالایی داشته و بهترین آموزشها را دیده است، اتفاقاتی مانند جنگ، حوادث طبیعی، بیماری و مرگ والدین را تجربه نکرده است، در زندگی شانس با او یار بوده و تلاش هم می‌کند قطعا از کسی که هیچکدام از اینها را ندارد و صرفا تلاش می‌کند جلوتر است. تلاش فرد غیر برخوردار باعث می‌شود وضعش از قبل بهتر شود ولی نمی‌تواند به آن فرد برخوردار برسد. البته اگر همین تلاش را هم نداشته باشد حتما وضعیتش از آن چه که هست بدتر می‌شود. وقتی همه این عوامل را با هم در نظر می گیریم متوجه می شویم اگر شما قرار است جزو ده ثروتمند اول دنیا باشید باید آمریکایی باشید، برای فیلسوف شدن بهتر است اروپایی باشید، اگر می خواهید فوتبالیست بزرگی شوید شانس تان در برزیل یا آرژانتین بیشتر است، ولی در دوی ماراتن بهتر است از شاخ آفریقا باشید. البته داشتن آرزوهای بزرگ هیچ اشکالی ندارد ولی با این شرط که اگر فرد به آنها نرسید ناامید و سرخورده هم نشود. ضمن این که دانستن این حقیقت باعث می‌شود فردی که در مسیر موفقیت تلاش می کند کمتر خود را سرزنش کند. سرزنش کمتر موجب سرخوردگی و ناامیدی کمتر و در نتیجه انگیزه و نیروی بیشتر برای بهتر شدن داشته باشد.

براستی زن بودن کار مشکلی است

دکتر زهره عالی نسب



سیمین دانشور چه زیبا گفته است :
براستی زن بودن کار مشکلی است
مجبوری مانند یک کدبانو رفتارکنی
همانند یک مرد کار کنی
شبیه یک دختر جوان بنظر برسی
و مثل یک سالمند فکر کنی...

و من از زن می نویسم موجودی از جنس حریر! نازک، لطیف و شکننده و در عین حال محکم و موقر. تا جایی که در این عالم هرچیز عظیم و زیبا است ازجنس مونث است،گیتی، طبیعت آسمان، کائنات و سیارات و زمین، مام میهن و ریشه هویت آدمی یعنی میهنم ایران نیز نام زن است و در آخر حس زیبای مادرانگی!! نشان دهنده این است که وظیفه تربیت و پرورش قطعا سهم موجود فرهیخته تر است.

در مقاطعی از تاریخ مادر خدایان زمام امور را در دست داشتند و عشق و صلابت توامان را تقدیم اطرافیان ومحیط می کردند زن جلوه زیبایی بی حد خدا بود و هست، زن میل انسان به بقا، به زندگی، به زیبا پرستی و بخش بزرگی از هنر آفرینش است، هیچ مردی شاعر نمی شد اگر زنی در کار نبود چون زن عشق و سرمایه ابدی وخلاصه ی تمام مهربانی های دنیاست. در تاریخ از یک جایی به بعد (عصر کشاورزی) زمانی که روح خشک مردانه توانست طبیعت را تا حدودی به کنترل خود درآورد تلاش کرد علاوه بر تسلط بر زمین، زن را نیز به استثمار خود در آورد و حس مالکیت خود بر او را با تحقیر و کنترل او هر چه بیشتر قوت بخشد، مردان با کمک خدایان هر امری را که به رشد فکری و تقویت قدرت تعقل زن بود را از او گرفتند تا بتوانند هر چه بیشتر بر ذهن وجسم او مسلط باشند.

بطوری که همیشه جنس دوم قلمداد شود و با وضع محدودیتها برای او فرماندهی و زمام امور همیشه در دست آنها و زنها مطیع وفرمانبردار باشند، به طوری که در تاریخ بندرت زن از نقش مادر و همسر فراتر رفته و ملکه و فرمانده شده است و اگر هم توانسته در دنیای مردانه قد علم کند با انواع دسیسه ها برای شکستش مواجه شده است. رشد و اعتلای هرکس در گرو حس احترام، کسب دانش و داشتن آزادیست. زمانی که این سه عنصر نباشد چه زن وچه مرد از رسیدن به تکامل باز می مانند چه بسا زنان شجاعی که الان به نیکی از آن ها یاد می شوند در زمان خود به عنوان زنی هنجار شکن و ناسازگار شمرده شده و او را سزاوار مرگ می دانستند، این قوانین و هنجارهای مرد ساخته بیش از بیش زن را به بردگی کشاند. مدرنیته را می توان آغاز رهایی زن از قیمومیت و تسلط مرد دانست، مهمترین ثمره عصرمدرن رفع محدودیتها و رسیدن به حقوقی برابر با مردان بود هر چند که در بعضی کشورها هنوز تا رسیدن به وضع مطلوب راه درازی در پیش است و عواملی همچون جغرافیا یا فرامین شرع یا سیستم حاکم در میزان تبعیض و ظلم به زن ها خیلی دخیل است؛ ولی این نکته مهم است که برخلاف قدیم زنان خود به حقوق شان واقف گشته و برای رسیدن به خواسته هایشان و رفع محدودیتها مبارزه و ایستادگی می کنند. تاریخ معاصر حماسه های بسیاری از زنان را برای رسیدن به حقوقشان و رفع تبعیضها دیده است که مهم ترینش کارخانه نساجی در آمریکا که اوایل قرن ۲۰ ام اتفاق افتاد و زنان دست به شورش زدند. جالب تر این که بسیاری ازمردان پا به پای زنان خواستار رسیدن به این حقوق و کسب عدالت جنسیتی و رفع تبعیض های ظالمانه علیه زنان شدند به همین خاطر است که در جوامع عقب مانده و اسیر ارتجاع تمام سعی خود را در محدود کردن هرچه بیشتر زنان هم در امور شخصی و هم مناسبات اجتماعی و مشاغل اقتصادی دارند زیرا زنان فرهیخته، اندیشمند و شاد همسران و فرزندان و در کل جامعه بالنده می سازند و این به ضررحکومتهای توتالیتر و ارتجاعی وطالبانیست زیرا آنها انسان برده ومطیع و فرمانبردار می خواهند.

هر بار
که ترانه ای برایت سرودم
قومم بر من تاختند!
که چرا برای میهن، شعری نمی سرایی؟
و آیا زن، چیزی به جز وطن است؟! (نزار قبانی)

به مناسبت هشتم مارس روز جهانی زن

از نگاه جنسیتی جامعه به زنان بیزاریم

هلنا سعادتمند



من یک زن هستم، از نگاه جنسیتی جامعه به خودم بیزارم. سالهاست انتظارم این است که جایگاه حقیقی خود را در جامعه داشته باشم.

شوهرم مأموریت است، باید پرونده فرزندم را برای انتقال به مدرسه دیگری، از مسئولین مدرسه بگیرم. خانم مدیر سری تکان داد گفت: به هیچ وجه نمی توانم پرونده به شما بدهم. گفتم: من مادرش هستم. گفت: باش ولی پدرش باید باشد.

لب به دندان گزیدم.

چند روز پیش دنبال کارهای حقوقی فردی در دادگستری بودم. گفتند می توانید برای ادامه کار پرونده با دو شاهد تقاضای اعصار کنید.

برگه را گرفته و خودم امضا کردم یک باره مسئول باجه فریاد کشید شما چرا؟ باید دو مرد امضاء کنند. هاج و واج به چشمانش خیره شدم.

این دو مثالی بود از معضلاتی که زنان در کشور من در گیر آن هستند.

به شیرزنانی فکر می کنم که در رشته های مورد علاقه چه پیشرفت هایی کرده اند.

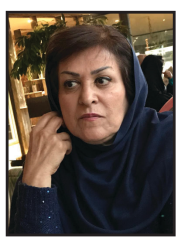
برای آبادی کشور حتی در زمان جنگ به عنوان پرستار و پزشک در جبهه ها نیز حضور داشته اند.

حال میپرسیم: چرا در جای جای جهان همواره حقوق زنان پایمال می شود؟ تبعیض های جنسیتی، شغلی و... دلیل آن در اکثر موارد این که زنان به خاطر خانواده و موقعیت خود سکوت می کنند. در جوامعی که صدای زنان شنیده شده حقوق اجتماعی بیشتری را کسب کرده اند.

خوشحالم که می بینم در زمانی زندگی می کنم که زنان عصر من اعتماد بنفس خود را باز می یابند. زنان بخوبی یادگرفته اند چگونه تحولات را مدیریت کنند. من ایمان دارم زمانی که خیلی نزدیک است زنان به جایگاه واقعی خود برسند.

تلاش همیشگی زنان و دختران برای احقاق حقوق خود

زیبا هوشیار



اگر بگوییم که زنان در طول تاریخ بشریت، تا کنون مورد ظلم و ستم جامعه و مردان، قرار داشتند، گزاف نگفتیم. مثلا در زمان برده داری بعنوان کنیز در مالکیت اربابان قرار می گرفت و در دوران دنیای مدرن، آنان بعنوان کالای لوکس مورد سوءاستفاده قرار می گیرند.

سالها طول کشید که زنان به حقوق خود آگاهی پیدا نمودند، مثلا در سال ۱۹۵۵، خانم امریکایی، افریقایی تبار که به علت مخالفت با قانون آپارتاید، از دادن صندلی خود به مرد سفید پوست، خودداری و متحمل مجازات گردید، نمونه ای از آگاه شدن زنان به حقوق خود بود، هرچند که در اینجا حقوق عمومی سیاه پوستان مورد نظر بود.

روز جهانی زن که مصادف با ۸ مارس می باشد، یک روز تاریخی در تقویم جهانی می باشد.

این روز نقطه ی عطفی در تاریخ مبارزات زنان در دنیا می باشد، زیرا در این روز، زنان فریاد خود را در جهت احقاق حقوق خود، به گوش جهانیان رساندند. فریاد خود را علیه نابرابری جنسیتی و حقوق خود را علیه هرگونه سوءاستفاده هایی که از آنان شده را فریاد زدند

در این روز شعار زنان، برابری جنسیتی بود.

درخواست حقوق باروری بود علیه خشونت بود. علیه سوءاستفاده هایی بود که در طول تاریخ از آنان می شده است، بود.

و خوشبختانه این فریاد رسای زنان در این روز به نتیجه رسید ومورد توجه اکثر کشورها، قرار گرفت، از جمله در تقویم آنها این روز را تعطیل رسمی اعلام نمودند.

این فریادها، دستاوردهایی داشت که یکی از آنان حمایت سازمان ملل متحد، از این روز از سال ۱۹۷۵ بود.

این روز، همانند وقایع مهم تاریخی دیگر، تاریخچه ای دارد. اوائل، قرن بیستم، تلاش زنان در مبارزه برای حق رای در کمپینی که حزب سوسیالیست امریکا، در سال ۱۹۰۹ برگزار کرد، نمود پیدا کرد. این اتفاق باعث شد که راهپیمایی میلیونی، در روز نوزدهم مارس ۱۹۱۱، در نروژ، سویس، آلمان و دانمارک، برگزار شد و از حق رای زنان حمایت گردید.

این تلاش های موثر زنان ادامه پیدا کرد. در ۸ مارس ۱۹۱۷ زنان سنت پترزبورگ، با برپایی اعتصاب، در اعتراض به کمبود مواد غذایی و شرایط بد زندگی، نتیجه مطلوب به دست آوردند. از سال ۱۹۲۱، روز جهانی زن به ۸ مارس تغییر یافت.

هر چند که ۸ مارس روزجهانی زن و تلاش زنان برای به دست آوردن حقوق خود می باشد ولی جا دارد از تاریخچه تلاشهای زنان وطنمان هم در همین ارتباط، یادی کنیم.

جنبش زنان در ایران، قدمت دیرینه ای دارد، در همه این ادوار، علیه هرگونه تبعیض (موقعیت فرودست) فعالیت داشته اند و به صورت انجمن های سری و غیرسری، به دنبال حقوق خود بوده اند.

در سالهای۱۲۸۹-۱۳۱۱، جنبش های زنان، به صورت پراکنده و با هدفی مشترک بودکه با مخالفت سنت گرایان روبرو می شد و حتی دولتمردان نیز این جنبش های زنان را خطری برای حکومت می دانستند.

جنبشهای زنان ایران، ملی گرایانه بود. بیشترین فعالیت زنان در تاسیس مدارس و انتشار نشریه بود. نخستین نشریه زنان در ایران در سال۱۲۸۹منتشر شد، انجمن هایی از زنان نیز، در جهت احقاق حقوق خود تشکیل شد، ولی در سال ۱۳۱۱ انجمن مستقل زنان، منحل شد.

از انجمن های زنان آن زمان، می توان از انجمن حریت نسوان، مجمع انقلابی نسوان و جمعیت نسوان وطن خواه نام برد.

از زنان فعال در زمینه رونامه نگاری، میتوان از خانم دکتر کحال، صدیقه دولت آبادی، روشنک نوع دوست، فخر آفاق پارسا و محترم اسکندری، نام برد که همگی از زنان تحصیلکرده بودند و هر کدام سردبیر نشریه خاصی بودند و در تاسیس مدارس دخترانه،کوشش زیادی کردند و به لحاظ مقابله سنت گرایان، امری انقلابی بود.

در زمان رضا شاه نیز، انجمن هایی از زنان تشکیل شد وتعدادی از آنها زیر نظر شاه فعالیت می کردند و تعدادی نیز زیر نظر سازمانهای، چپ و سکولار بودند. در زمان محمد رضا شاه، این سازمانها، از حالت جنبش اجتماعی، در آمدند و تحت نظر شاه و به اسم سازمان زنان ایران، به فعالیت محدودی می پرداختند.

در سالهای، ۱۳۲۰-۳۲، بنیادگرایان در مقابل نظرات عناصر ملی گرای لیبرال در جبهه ملی و گروههای چپ گرا که خواهان دادن حق رای به زنان بود، مخالفت نمودند.



جنبش زنان ایران تا سال ۱۳۴۲ ادامه داشت و در این سال، حزب زنان ایران با حضور خانم ها صفیه فیروز و فاطمه سیاح، تاسیس شد.

بعد از آن جمعیت هایی از زنان تحت نامهای جمعیت راه نو، توسط مهرانگیزدولتشاهی(اولین سفیر ایران)، انجمن زنان حقوقدان، توسط مهرانگیز منوچهریان و جمعیت زنان طرفدارحقوق بشر که توسط بدر الملوک بامداد، بوجود آمدند که بیشترین فعالیت آنان، داشتن حق رای بود.

بعد از انقلاب، دوباره وضعیت زنان تغییر کرد و در برخی از حقوقی مثل قانون خانواده و حق سقط جنین و حجاب تغییراتی داده شد.

در اسفند سال ۵۷ عده ای از زنان برای حفظ حقوق خود، اعتراض کردند.

در سالهای اخیر نیز تلاش زنان و دختران کشور برای احقاق حقوق خود جدی تر شده است و توجه بیشتری را به تضیع حقوق زنان جلب نموده است.

«به امید دستیابی زنان جهان به حقوق خود و رهایی آنان از هرگونه زنجیر تبعیض و ستیز».

نگار مکاریان مدرس شاهنامه خوانی در بوشهر:

شاهنامه؛ هویتی که در حال فراموشی است



– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.
– نگار مکاریان هستم مدرس شاهنامه خوانی نقالی حافظ خوانی و فن بیان.
– چه شد که به شاهنامه علاقمند شدید؟
– از کودکی عاشق شعر و ادبیات بودم و همیشه کتاب های شعر می خواندم تا این که در سن ۱۵سالگی از طرف مدرسه در مسابقه ای که مربوط به شاهنامه خوانی بود شرکت کردم و مقام اول رابه دست آوردم و این شد که راه شاهنامه خوانی و شاهنامه پژوهی من آغاز شد و تقریبا در همان سال با آموزشگاه هم آشنا شدم و در حیطه ی شاهنامه خوانی خردسال فعالیت کردم.
– نظرتان در مورد شاهنامه و اهمیت آن چیست؟
– شاهنامه هویت ماست، هویتی که در حال فراموشی است، شاهنامه زبان پارسی و زندگی نیاکان ماست. ما برای آگاهی از گذشته و رسومات و آیین های کهن به این کتاب احتیاج داریم.
– در داستان‌های شاهنامه کدام داستان بیشتر شما را تحت تأثیر قرار داده است؟
– تراژدی بی نظیر سیاووش و گذر آن از آتش. تمام داستانهای شاهنامه مرا متاثر می کند اما این داستان عجیب است و بیش از بیش با آن گره خورده ام، به طرز عجیبی جدال پاکی و ناپاکی را می بینیم و پاکی پیروز میدان است.
– چرا علاقمند به آموزش شاهنامه به کودکان شدید؟
– در کل شاهنامه مجذوب روح پاک نیاکانمان هستم و این روح پاک به جد در بچه ها دیده میشود و در اصل این بچه ها هستند که آینده ی ما خواهند بود پس مهم هستند.
– با توجه به اشعار مشکل شاهنامه یادگیری و ارتباط کودکان با آن چگونه است؟
– ما با روش های مختلفی با بچه ها کار می کنیم که اشعار برایشان ساده و دلچسب میشود بچه ها مجذوب داستانهای شاهنامه می شوند.
– چه شیوه هایی برای آموزش شاهنامه به کودکان دارید؟
– استفاده از ابزارهای مختلف در کلاس مثل طبلک و آواز خوانی. نقاشی و بازی های مختلف بیانی و بدنی.
– این کلاس ها در کجا تشکیل می شود؟
– این کلاس ها در فرهنگسرای رمضان امیری با مدیریت خانم پریسا امیری برگزار می شود و در بخش آنلاین نیز فعالیت دارم حضوری و غیر حضوری. استقبال تا کنون خوب بوده است اما خانواده ها باید بیشتر از اهمیت این ماجرا آگاه شوند.
– کودکان به کدام داستان‌های شاهنامه علاقمندند؟
– پسرهای جوان عاشق داستان های قدرتمندانه رستم و دختران جوان عاشق داستان های شاعرانه و روایی هستند.
– خانواده‌ها چرا باید کودکان شان را علاقمند به شاهنامه خوانی کنند؟
علاوه بر آگاهی از فرهنگ و زبان ما، تاثیرات فوق العاده ای روی بیان و اعتماد به نفس بچه ها دارد و باعث رشد اجتماعی آنان می گردد.
– سخن پایانی.
– نسل آینده ی ما باید آگاهتر، دانش ورتر، قدرتمندتر باشند، لطفاً آگاهشان کنیم.

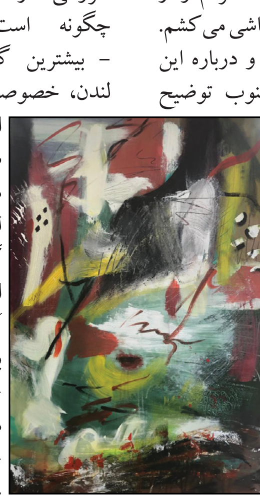
مصاحبه نسیم جنوب با زهرا هوشیار هنرمند و نقاش بوشهری مقیم انگلیس:

زنان هنرمند سعی دارند به اندازه مردان نقشی محوری در غنی سازی هنر داشته باشند اما کمتر دیده شده‌اند

– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.
– من زهرا هوشیار متولد ۱۳۴۰ – بوشهر می باشم.
من یک نقاشی خود آموز هستم و بیشتر کارهای من بیانگر، هویت فردی، رنگ آمیزی افکار می باشد که منبعث از هیجانات وچالش‌های درونی و جامعه خلق می شود.
– خلاصه‌ای از فعالیت‌های هنری و نقاشی خود را برای خوانندگان نسیم جنوب بگویید و چه شد که به سمت نقاشی رفتید؟
– به صورت کلی در مورد علاقه ام به هنر نقاشی، به دوران کودکیم برمی‌گردد بیاد دارم در کلاس دوم در دبستان معینی بوشهر (هشت سالگی)، هنگامی که معلم مشغول تدریس بود، در حال کشیدن گل بودم که ناگهان با ضربه‌ای که از طرف معلم به سرم زده شد، برق از چشمانم پرید و تکان شدیدی خوردم. معلم (که نامش هرگز از ذهنم پاک نمی‌شود) با قیافه‌ای غضبناک و همراه با توهین، به من فهماند که کلاس جای درس یاد گرفتن است نه نقاشی کشیدن. آن اتفاق برای مدتها ذهن کوچک و بچگانه مرا به خود مشغول نمود اما نتوانست علاقه به نقاشی کشیدن را در من از بین ببرد. و شاید جرقه‌ای بود که مرا بیشتر به سمت هنر نقاشی سوق داد. از هر فرصتی و در هر مکانی، به محض یافتن کاغذ و قلمی، طرحی می کشیدم. تا این که در شانزده سالگی، با شرکت در مسابقات نقاشی شهرستانی، موفق به دریافت مدرک بعنوان نقاش ممتاز شناخته شدم. سالهای بعد همراه شد با جریانات، شور و هیجان انقلاب و این عاملی برای استفاده رفتاری از هنر پنهانم گردید که در تهیه نشریات دیواری، نقاشی‌هایی در حوزه فکری آن زمان نمود پیدا کرد.
۲۳سال پیش به انگلستان مهاجرت کردم و از هشت سال تا کنون به طور مستمر نقاشی می کشم.



– در چه سبکی نقاشی می‌کنید و درباره این سبک برای خوانندگان نسیم جنوب توضیح دهید.
– من عقیده‌ای به نوع مشخصی از سبک در هنر نقاشی ندارم برای همین در همه موضوعات و سبکها وارد می‌شوم این مخاطب هست که نسبت به حس و برداشت شخصی، نوع کار من را سبک گذاری می کند.
– مخاطب چگونه می‌تواند یا این نقاشی‌ها ارتباط بگیرد؟
– وقتی مخاطب روبروی اثر هنری قرار می‌گیرد، اگر رئال باشد مشخصا همه زوایای کار واضع و بدون توضیح دیده می شود. اما در کارهای من، هر مخاطب برداشت متفاوتی برای خود دارد و منِ نقاش هیچ گونه حقی در تغییر این برداشت نَخواهم داشت.

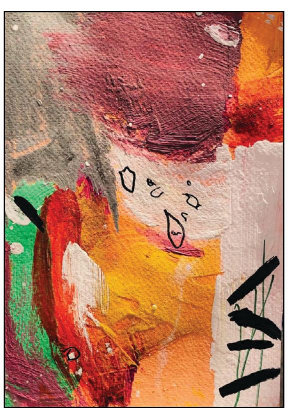


– زمینه برای فعالیت هنری زنان در سطح بین‌المللی و کشورهای اروپایی چگونه است؟
– زنان باید برای رسیدن به چیزی بجنگند، در حالی که مردان فقط راه می روند.
این جمله جورجیا اوکیف گویای همه نا گفته های ما زنان می باشد.
خوشبختانه راه ارتباطی گالری داران بین‌المللی با هنرمندان ایرانی به خصوص زنان به خوبی برقرار هست و نمایشگاههای گروهی و انفرادی از نقاشان ایرانی در لندن و شهرستانهای انگلستان دیده می‌شود.
– آیا نمایشگاه‌ها و رویدادهای خاص فرهنگی و هنری با محوریت مسائل و مشکلات و حقوق زنان نیز برگزار می شود؟
– در اقصی نقاط جهان و به خصوص در انگلستان که گالری و موزه های معتبر و معروفی وجود دارد، هنرمندان معترض، حضورشان را با ارایه آثار ارزشمند خود برای عموم اعلام کرده که با استقبال بی‌نظیری از طرف مردم همراه شده است.که بزرگترین آن، روز جهانی زن و خشونت علیه زنان می باشد.
من هم به نوبه خودم در سال۲۰۱۹ برای روز زن نمایشگاهی در هانور آلمان برگزار کردم.
– زنان هنرمند ایرانی و از جمله نقاشان چگونه می‌توانند در سطح بین‌المللی آثار خود را به نمایش بگذارند؟
– زنان همیشه در سایه دیده شده اند با این که همپای مردان به فعالیتهای هنریشان ادامه می دهند و حتی دیده شده که در دهه های متفاوتی از مردان پیشی گرفته اند. اما برای دیده شدن باید تلاش، پشتکار، ممارست، جسارت هدف اولیه همه زنان مرز و بوم ما باشد.
– هماهنگی برای برگزاری نمایشگاه‌های تک نفره و گروهی در انگیس و اروپا چگونه است؟
– بیشترین گالریها در انگلستان بخصوص لندن، خصوصی و با هزینه بالا وجود دارند.

اما شهرداریهای بعضی از مناطق سالن‌های نمایش در اختیار هنرمندان قرار داده اما باید در لیست انتظار طولانی مدت قرار گرفت. البته من برای ۳۲ هنرمند ایرانی نمایشگاههایی در لندن و آلمان در سالهای ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ به صورت رایگان برگزار کردم.
– حامی فعالیت‌های فرهنگی و هنری بیشتر چه کسانی هستند؟
– خانواده، محیط آموزشی و جامعه هر سه با هم در شکوفایی و فعالیتهای هنرِ هنرمند نقش اساسی دارند. اما سعی و تلاش هنَرمند، تضمینی برای موفقیت آینده او خواهد بود.
– چه تجربه‌ای از کار هنری در اروپا به دست آورده‌اید که برای هنرمندان ایرانی مفید می‌تواند باشد؟
– دو نمایشگاه گروهی و انفرادی که در لندن و آلمان برگزار کردم، رفتار محترمانه مسیولیت



پذیری، دلسوزی و همکاری از طرف دست اندرکاران گالری‌ها دور از انتظار من بود.
– چه توصیه ای به هنرمندان خصوصا زنان هنرمند برای دیده شدن در سطح بین‌المللی دارید؟
– به نظر من همه ما نقاش هستیم. اما موقعیت، علاقه، خلاقیت، درک از کار هنری و مهمتراز هر چیز، پشتکار و استمرار هست که انسان را به شناخت موجودیت خود و توانایی‌های درونیش روبرو می‌کند. باور داشتن خود، کلید اصلی حرکت در همه به خصوص زنان می باشد.
علی رغم این که زنان هنرمند سعی دارند به اندازه مردان نقشی محوری در غنی سازی هنر داشته باشند اما کمتر دیده شده‌اند.
و به طرز عجیبی، وقتی صحبت از نحوه پوشش رسانه‌های اصلی دنیای هنر به میان می‌آید، مشارکت‌های آنها همیشه نقش اصلی را ایفا می کند.



اکنون زنان هنرمند با خلاقیت و هنر خود، آثاری معنادار و بدیع، خلق می کنند.
زنان یا هر هنرمند دیگری با استمرار و کار مداوم، در سطح بین المللی دیده می‌شود.
– چه سوژه‌های هنری جهانی بیشتر مورد استقبال قرار می گیر ند ؟
– سوژه های هنری، بستگی به محیط، زمان و مکان اجرا دارد. چون هر هنرمند سوژه کاری خود را طبق زمانه خود به اجرا می گذارد. سوژه هایی که در ایران قابل اجراست شاید جایگاهی در لندن نداشته باشد و به عکس. اما ایده باید نو، مبتکرانه و خلاق (غیر تقلیدی و غیر تکراری) باشد. هم اکنون در سطح بین المللی، کانسپچوال آرت و NFT از همه پیشی گرفته‌اند.
– سخن پایانی.
و در آخر باید یاد آوری کنم که بخشی از اثر هنرمند بر گرفته از محیطی است که در آن زندگی می کند و بخشی دیگر ازویژگیهای شخصیتی، تعلقات وی به سرزمین مادری که هویت جغرافیایی و زیستی او است بر انتخاب رنگ که نماد زیبایی هاست، از سوی نقاش، و خلق اثر تاثیرگذار هستند.





بوشهر
نام ات را
که بر گل های کاغذی
می نویسم
شمیم نسیمی
منتشر می شود
در نفس "گلشن"
خورشید
آفتاب می خواند
بر بام "امیریه"
زلال بودن می دواند
مهر مردمان ات
در رگارگ "مهربان"
و به پیشواز کهن روز نو
می تپد
غرور "ایرانی"
بوشهر
تاریخ خورشید
جغرافیای بهار
دیری ست
دل مردمان و
نبض کوچه های ات
به دریا رسیده اند

"امیدغضنفر"

۱۸ اسفند ماه "روز بوشهر" بر ساکنان مهرآیین دیار آفتاب درخشان گرامی باد.

وزیر راه:
نیاز اعتباری راه آهن بوشهر – شیراز در پروژه‌های تهاتری وزارت راه لحاظ شده است

وزیر راه و شهرسازی گفت: اعتبار مورد نیاز برای تکمیل خط ریلی بوشهر به شیراز در پروژه‌های تهاتری این وزارتخانه لحاظ شده و پیگیری می‌شود.

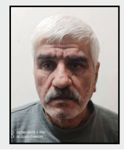
به گزارش خبرنگار ایرنا، مهرداد بذرپاش در نشست شورای برنامه ریزی استان بوشهر که با حضور رئیس جمهور برگزار شد، اتصال این استان به شبکه ریلی کشور را پروژه‌ای راهبردی دانست که فرآیند تحویل چهار قطعه از آن به پیمانکار در حال انجام است.

وی یادآورشد: این پروژه با ۴۵۰ کیلومتر طول ریل گذاری بسیار سنگین و اعتبار مورد نیاز آن ۱.۲ میلیارد یورو است که از هر دو سوی بوشهر و شیراز تنها ۱۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد.

وزیر راه و شهرسازی با اشاره به افتتاح ۲۴.۵ کیلومتر بزرگراه کریدور نوار ساحلی جنوب کشور در استان بوشهر گفت: این کریدور از سیستان و بلوچستان تا خوزستان یکهزار ۸۵۰ کیلومتر طول دارد که در استان بوشهر ۷۷ کیلومتر آن باقی‌مانده و امیدواریم تا پایان دولت سیزدهم به بهره‌برداری برسد.

فلرهای پارس‌جنوبی تا پایان دولت سیزدهم خاموش می‌شوند

استاندار بوشهر: رئیس‌جمهور دستور جمع‌آوری کامل و مهار فلرهای پارس‌جنوبی را به وزیر نفت داد و قرار شده تا پایان دولت سیزدهم این مهم محقق شود. سال گذشته حدود یک‌صد میلیارد تومان حق آلایندگی به استان بوشهر تخصیص داده شد و بسیاری از پتروشیمی‌ها با گرفتن برگ سبز به عنوان آلاینده محسوب نشده و از پرداخت عوارض آلایندگی معاف شده‌اند.



خاطرات درس و مدرسه در بندر عسلویه
اشک شوق

جعفر درایی

سال۱۳۵۸ اوایل زمستان بود و مدرسه باتک کلاس اول راهنمایی با۲۳ دانش آموز در این سال آغاز بکار نموده بودم. دانش آموزان از سه روستای نخل تقی عسلویه و بیدخون بودند که در سالهای بعد از زباز و دهنو و اخند و کلات هم به این مدرسه اضافه شدند ... این سال مدرسه، با دو دبیر اداره می شد، من و غلامرضا اسدی که از بندر طاهری بودیم. من درسهای علوم، ریاضی، حرفه و فن و ورزش عهده دار بودم و تدریس بقیه ی درسها به عهده آقای اسدی بود. محل زندگی ما دو نفر در کلاسی از مدرسه بود که ما دو نفر و علی اکرمی، حمزه کبگانی و حمید ماهینی در آن اتاق بیتوته می نمودیم.آن دوستان معلم ابتدایی بودند و مدرسه ابتدایی هم درهمان محدوده بود ولی هنوز دیواری دور مدرسه کشیده نشده بود.(دیوار در سالهای بعدکشیده شد و یک مجتمع بزرگی شدکه حیاط آن تقریبا یک هکتار بود). جالب این که ۳۶ ساعت کلاس دو تا ۱۸ ساعت سهم هر یک از ما بود و جالب تر این که یک ساعت من به کلاس برای تدریس می رفتم و یک ساعت بعد آقای اسدی وآقای اسدی عصر پنجشنبه به طاهری می رفت و صبح شنبه برمی گشت و هرازگاهی من هم همراه او به طاهری می رفتم که هم با او بودم و هم دوستانم در طاهری از جمله سعید رهنما و عبدالمحمدحبیبی دیدار می کردم و بعدها که با مدیر فرهیخته مدرسه ابتدایی آقای حسن کنگانی آشنا شدم ایشان را نیز از نزدیک زیارت کردم .اگرچه ما می توانستیم هر کدام سه روز تدریس انتخاب کرده و برنامه ریزی کنیم ولی انگار این طوری برایمان دلچسب تر بود. یک روز زنگ ورزش بود و بچه ها فوتبال بازی می کردند و من داور آنها بودم و در یک برخورد یکی ازدانش آموزانم به نام حسن محمد ی ازعسلویه روی زمین افتاد و در عین بدشانسی هنگام افتادن دست چپش دقیق به سنگ کوچکی برخورد کرد و سنگینی تنش هم برروی دست قرار گرفت و دستش شکست. سریع خود را به او رساندم و کنار زمین نشاندمش و پارچه ای دور دستش کردم و گفتم بادست راستش دستش راحائل کند و منتظر بماند تا به بهداری برویم. به آقای اسدی گفتم که من او را به بهداری عسلویه می برم و تو حواست به دانش آموزان باشد و یکی ازدانش آموزان عسلویه بفرست تا به خانواده محمدی اطلاع دهد و بگوید که حسن دستش شکسته و به بهداری رفته است. بهداری تقریبا صد متری مدرسه بود.حسن گریه می کرد و می گفت دستم درد می کند گفتم الان که بهداری رفتیم دکتر دستت رامی بیند و خوب میشوی. به بهداری رسیدیم و دکتر دیوان به معاینه دست حسن پرداخت وگفت دستش بدطوری شکسته است. کنگان و بندر لنگه هنوز به دستگاه های مدرن مجهز نیستند و اگر او به بوشهر برود بهتر است. در همین حین احمد محمدی پدر حسن که مغازه دار هم بود هراسان خود را به بهداری رساند و با حسن عربی حرف زد و حسن برای پدرش توضیح داد که چه طور اتفاق افتاده. سپس دکتر دیوان یه آتل به دست حسن بست و به من گفت او را ببر. در حیاط بهداری با پدرحسن حال واحوال کردیم و گفت باید ببرمش گله دار تا شکسته بند دست او را ببندد ولی من قبول نکردم و گفتم حسن را به بوشهر می برم.

احمد با حالت تعجب گفت: خودت میبریش گفتم: بله. خوب، وظیفه من است که ببرمش. الان میبرمش و گفتم پدرجان نگرانش نباش حسن پسرمن هم هست.

در این هنگام یه تاکسی بار، بیماری را به بهداری آورد و من از راننده آن خواستم ما نیز به جاده اصلی برساند. ولی به آدم یوسفی مر دبزرگ و دوست داشتنی عسلویه که کارمند بهداری بود گفتم به آقایان اسدی و دوستان معلم دیگر سفارش کن که من رفتم بوشهر و احتمالا فردا برمی گردم. حدود ساعت ده صبح کنار جاده اصلی ایستاده بودیم تا وسیله ای برسد و ما را به کنگان برساند تقریبا ده و نیم بود که از جنوب جاده گرد و خاکی در حال حرکت نوید خودرویی می داد که بطرف ما می آمد و چند دقیقه بعد کنارمان ایستاد و راننده گفت تا طاهری می روم. تاکسی بار بود و جلو جا نداشت و من و حسن پشت آن جای خوش کردیم.تاکسی بار حرکت کرد و به علت ناهمواری جاده خیلی آرام می رفت تقریبا ی کساعت بعد کنار پمپ بنزین عطار که در محل بود و فقط یک پمپاژ بنزین داشت رسیدیم و پیاده شدیم حاجی عطار هم معلمان جنوب خوب می شناخت و بعد از سلام و علیک واحوالپرسی محمودعطار هم رسید و بعد از احوالپرسی و دیدن وضعیت ما سریع پیگیر وسیله ای شد و چند دقیقه بعد با لب خندان گفت الان وسیله به کنگان می رسد و لحظاتی بعد باز یه تویوتا باری آمد و سوار شدیم و از حاجی عطار و آقا محمود که وسیله رفتن مان به کنگان را مهیا نموده بود خداحافظی و تشکر و به طرف کنگان حرکت کردیم... . حدود ساعت یک ونیم بود که به کنگان رسیدیم. سریع به قهوه خانه رفتیم و توانستم چند لقمه در دهان حسن بگذارم چون احساس درد می نمود میل چندانی به غذا نداشت. مینی بوسی کنار جاده ایستاده بود و تا چغادک می رفت و ما منتظرحرکت مینی بوس بودیم تا مسافرانش جمع وجور شود. ساعت دو و نیم شد و بطرف چغادک حرکت کرد . مینی بوس در مسیر خود به دوراهک و آبدان و کاکی و خورموج و...که می رسید توقف می کرد یا مسافرسوار و یا پیاده می کرد و دیگر به تعداد مسافران که از هیجده نفر بیشتر شده کار نداشت. نزدیکی های ساعت پنج عصر به چغادک رسیدیم و باز منتظر مینی بوس برازجان به بوشهر بودیم که برسد که زیاد معطل نشدیم و نیم ساعت بعد در گاراژ برازجانی ها پیاده شدیم و پیاده بسوی بیمارستان فاطمه زهرا حرکت کردیم. فاصله نزدیک بود ویه ده دقیقه پیاده که رفتیم به بیمارستان رسیدیم .حسن ویزیت شد ...عکسبرداری و دکتر و گچ گیری دست یک ساعت به طول انجامید و دکتر در آخرین بازدید گفت امشب که استراحت کرد فردا عصر مجددا بیارش تا عکسی از دستش گرفته شود و مطمئن شوم جای شکستگی آن لغزشی نداشته، به آقای دکترگفتم دورت بگردم اگه میشه به فردا صبح موکولش کن چون ما باید به عسلویه برویم وهم راه دور است و هم ما وسیله ای برای رفتن نداریم دکترگفت : ازعسلویه آمده اید؟! گفتم بله این دانش آموزم است و امروز صبح در مدرسه دستش شکسته ... دکتر بلند شد و با احترامی خاص، گفت: باشه فردا ساعت ده صبح بیارش و به دکتری که تایم کارش است سفارش می کنم که سریع رسیدگی کند. و بهش می گویم که سریع به کارتان رسیدگی کند و سپس دست من را به گرمی فشرد وگفت: دنیا و معلم های فداکار. از دکترتشکر کردم و از بیمارستان خارج شدیم.

تاکسی سوار شدیم و در سنگی پیاده شدیم و از کوچه بانک صادرات سنگی تا بنمانع پیاده راهی شدیم. درحیاط باز بود وارد حیاط خانه امان شدیم. مادرم تا ما را دید سریع بطرفمان آمد و در آغوشم گرفت وگفت کجا بودی دی؟! و جریان حسن را و حال قضیه را بهش گفتم او حسن را در آغوش گرفت و به من گفت: دی خوب کاری کردی بشینید تا شام براتون درست کنم. برادرانم غلام و محمد و کورش از اتاق بیرون آمدند و خوش بش نمودیم. از پدر سوال کردم گفتند هنوز از کویت حرکت نکرده اند و منتظر هوا هستند.

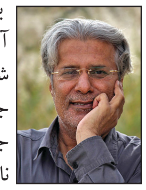
فرداصبح اول رفتیم بیمارستان و نوبت گرفتیم وعکس مجدد و بازدید دکتر از دست حسن وگفت سفارش شما شده وپس از بررسی گفت دستش خیلی خوب است فقط نباید بدود وحواسش باشد. از بیمارستان که بیرون آمدیم ساعت یازده و نیم بود و به سوی گاراژ برازجانی ها حرکت کردیم تابه چغادک برویم. وقتی به آن جا رسیدیم تا صف طولانی برای مسافران کشیده شده است. یک ساعت در صف بودیم تا توانستیم به مقصد چغادک حرکت کنیم.

از چغادک تاکنگان با مینی بوس حرکت کردیم و سه ساعت در راه کنگان بودیم و حالا باید کنار جاده کنگان به سوی جنوب می ایستادیم تا تاکسی بار یا ماشین دیگری بیاید تا بتوانیم به عسلویه برویم و تا از جاده اصلی کنگان به گاوبندی به کنارآسفالت فرودگاه قدیمی عسلویه منتهی به فرودگاه برسیم. اوایل شب رسیدیم و از تاکسی بار پیاده شدیم حالا باید از ورودی فرودگاه که آسفالت بود در میان درختان بلند پوشیده شده بود تا عسلویه که نیم ساعت طول می کشید تابه محل برسیم. از میان کوچه ها گذشتیم و به خانه احمد محمدی رسیدیم. مغازه اش که چسبیده به خانه اشان بود و روبروی میدان کوچکی قرارداشت، مغازه بسته بود. حسن که امروز در دستانش درد احساس نمی کرد و خوشحال و قبراق بود وارد حیاط شد و در ورودی حیاط با پدرش سینه به سینه شد و احمد پدر حسن او را در آغوش گرفت و به سرعت بسوی من گام بر داشت و بدون کلام مرا در آغوش کشید. در همان لحظات اول بغض گلویش راگرفته بود و تا خواست کلمه آقای جعفر را بگوید اشک امانش را بریده بود کلمات بریده درمیان اشک وبغض ممنون... آقای جعفر ... ناگهان گرمای اشکش برشیار گردنم و لحظاتی بغض من هم ترکید اشک و عشق و شوق و تمنای دل درهم آمیخته شده بود.

عشق گاهی در اشک تبلور می شود و در پس آن در لبخندی که بر درون انسان عارض می شود نمایان می گردد و در درون تراوش می کند. عشق گاهی جلوه ای از اشک است که احساس را در می نوردد. در این گونه اشک ریختن نسبت اشک و عشق مانند موجود و وجود است که در قالب لبخند پدیدار می شود و گاهی عشق میتواند مرز لبخند را در قالب اشک هم پدیدار شود. و این همان چیزی است که عشق معلمی را به تصویر می کشد. این گونه عشق ها چه در قالب اشک و لبخند ظهور می کند فقط در درون معلم جاری می گردد و این موجودیت در شیارهای قلب معلم همیشگی است. از آغوش هم جدا شدیم و احمد محمدی دستم را گرفت وگفت: شام باید پیش ما بمانی.

روزت فرخنده باد بوشهر، شهر هزارهای دور

محمد لطفی

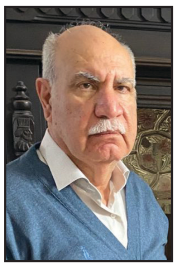


بوشهر، شهرمن، شهر هزاره های دور دیار، افسانه و آیین های ماندگار، چشم آبی باستانی ازل تا فردای ابد. بوسه گاه همواره خورشید. خویشاوند همه دریاها شهر تبدار بیقرار. دوباره، هزاره باره در قراری معین می خوانمیت در لحظه های جاری روزی که بنام تو است. بوشهر طلایه دار شهنامه شهیدان و حماسه های جاودان که در خیزاب هایت قد کشیده ایم. همه می دانیم در تو غصه های نارس نیست، برای اندوهای رسیده ات گاه شروه شده ایم، اندوهان تو را بانگ بر آورده ایم، می باریم. بوشهر شهر زاد و زندگی، دیار ناخدا و جاشو و گلاف، خویشاوندان همه دریاها، تو را شراع کشیده ایم بر گستره دریای بیکران عشق در هم آوایی نی مه ها و زخمهای تاریخی ات که از همه بوی افتخار می آید، بوشهر شهر من، سمفونی بی مثال رنگ و نور باد و معماری جادوئی درون گرا و برون گرا که هر رهگذری را با سحر انگیزی جاودان مغناطیسی ات به تماشای راز غریب خود فرا می خوانی، به شنیدن موسیقی لذت بخش زیبا شناسی که هارمونی بی بدیلی از انسان و طبیعت است بر پهنای بندری با مردمانی صاحب اندیشه و صاحب دل. سترگ مبارزانی پهلوان در حماسه های جاودان که هیچ گاه در برابر جبر روزگاران قامتشان خم نشدن که پیکر گرفتند، آب های وحشی را رام کردند. ما بر آمده از نسلی هستیم که تاریخ مان آکنده از رنج و تلاش است، زندگی در دیار ما ضرب می شود. ضرب در تاریخ و حماسه و صبر، صبری به بزرگی بیش از پنج هزار سال. این قوم برای ابتدایی ترین نیازش همیشه با طبیعت خشمگین در ستیز بوده است، شاید سال ها که جان خویش را بردارد و به دریا بزند و با لهیمر و موج پنجه در هم افکند، این همه را در رویای شبانه و دنیای معنوی خود دیده است. این شبه جزیره کوچک هم می توانست بندری باشد با خانه ها و کوچه های معمولی مثل دیگر جاها بی ذوق و بی اندیشه و هنر، اما این جا بوشهر سرشار از ذوق، سرشار از هنر و اندیشه ست. زیرا اینجا همه صاحب دلند. در و دیوار و استراحتگاه دریانوردان ستیزنده با توفان و بمبک و موج باید او را به اندیشه فرابخواند. دریا چیست؟ماه چه کاره ست؟ لهیمر از شانه های کدام ستاره می آید؟ اگر هم پاسخی نیافت خیام بخواند. فایز راه بیندازد، یزله بگیرد برای رم دادن بوسلامه و بمبک ها. بوشهر شهری که روزگاری بیش از صد عمارت داشت و در پاره ای از سفر نامه ها از آن شهر عمارتها نام رفته است، متاسفانه بخشی از گذشته پر رمز و رازش و بافت تاریخی اش را لودر ها به دندان گرفتند و به دریا ریختند. بافتی که روزی از کوچه ها عطر زندگی در آن جاری بود. بوی ادویه و کندر و عود و اسپند و سندلوس و چوب دارچین و چای گجرات و همهمه ها و شور زندگی، حالا اما سکوت و بغض درگلوی کوچه ها می دود به خلوت خاطرات، درب ها و پنجره‌ها مثل این که چشم به چشمانت بدوزند و بگویند بمان با من حرف بزن تامرگ ما را رها کند. شاید مشکل از ماست که برای درمان بیمارهای مزمن بوشهر چنان که بایست آستین همت بالا نزدیم! معماری این شهر مثل آوازی کهنه رو به فراموشی است، هنرمندان در رشته های مختلف سکوت بوشهر را بارها ترجمه کرده اند،گاه در قالب سوتیتر یک خبر یا نوشته و شعر و سرود و غزل،گاه در قالب فیلم و عکس و دکوری بر صحنه تتاتر زخمه ها را بهم بخیه می زنند، اما سوال این جاست دیگران کجای این معادله اند؟ بوشهر نیاز حمایتی فراتر از وعده ها و واژهای تکراریست، هر بیننده منصفی پی برده است که حق این بندر بیش از اینهاست، فراوانتر از آنچه اینک هست، این شهر چشم انتظار تفکر نو در مسیر توسعه و ساختن است، بس است دیگر نگاهها خسته نگر و طرح های دم دستی ناکار آمد. این بندر تبداراز شعار سیر و به عمل تشنه است. بوشهر سند چشم اندازی همپای روند رشد بنادر جهان امروز را بیش از هر زمان دیگر نیازمند است. بندر ما در هیچ برهه ای از تاریخ به حق خود نرسیده است. این آبراهه بین المللی معطر از خون شهیدان با پتانسیل موجود اراده و راهکارهای علمی و عملی در مسیر توسعه همه جانبه پایدارو برخورداری از دانش روز و نگاه راهبردی کلان نظر را می طلبد تا ضمن جبران عقب ماندگی‌های تاریخی همپای جهان نو رشد کند،تا آیندگان بر خود ببالند، بادا که برای عمران و آبادی و پیشرفت بوشهر دست در دست هم رویاهایمان را در بیداری دنبال کنیم. چنین باد...



از بازار قنادی قدیم تا کافه قنادی نگرو در بندر بوشهر

به کوشش غلامرضا شریفی خواه



بازار سنتی قدیمی در بوشهر که قدمت آن از دورهٔ حکومت قاجاریه می باشد که در آن جا علاوه بر دو راسته اصلی به نام های معین التجار و رییس التجار بوده و به بخش های کوچک تری هم تقسیم شد و در هر بخش مربوط به صنفی بود که برای آسان خرید مردم شهر و حومه اطراف و ساکنین جزایر ترتیب داده بودند و در جنوبی ترین قسمت این بازار بزرگ اصناف قنادی مسگری لحیم کاری و حلبی سازی و ساعت فروشی قرار داشت و کل بازار در آن زمان موجب پیشرفت اقتصاد این شهر و دیار قرار گرفت. در شروع این مطلب برای آشنائی خوانندگان نسیم جنوب، یادی از قنادی های قدیمی شهر بوشهر کنیم. اولین کسی که دکان قنادی و یا شیرینی پزی در این بوشهر بنا نهاد حاج محمد گزی بود که دکانش در مجاورت دکان حاج کریم درویشی که شغل نخودبریزی (آجیلی) داشت و در رو به روی بازار قنادی واقع بود. دکان حاج محمد، دارای پیش خوان و طبقات و درب شیشه ای بود و بیسکویت و شیرینی های سنتی به مردم عرضه می کرد و تابلو سر در آن به نام شکرچیان فرد مشهور بود. بعد از او دکان حاج فتحعلی راهنورد که دکانش رو به روی فلکه دروازه (میدان انقلاب) و در ضلع غربی بازار بود. شیرینی های سنتی در شهر بوشهر که در آن دوره درست می کردند عبارتند از : شکرپنیر، آب نبات نعناعی، قرص پولکی، قرص نقل خراش، حلوا مسقطی، پشمک، زلیبی (زولبیا) بانجمه، شاه پسند، بیسکویت، حلوا نارگیلی، قرص زنجفیلی، حلوای خارک، گز، حلوای نونک، حلوا راشی (حلوا شکری)، حلوای سنگک، پیچ پیچی، حاج بادام، خروس قندی.

به یاد دارم در اوایلِ دهه چهل خورشیدی دکان های قنادی در اول شب شلوغ و مردم پشت سر هم برای خرید می ایستادند مخصوصاً برای شب های سرد و طولانی فصل زمستان که دور همی داشتند و به همراه تنقلات و خوردنی های گرم، کام خود را شیرین می کردند. همانا واجب شد از فردی بنویسم که عمر خود را در کارگاه های شیرینی پزی صرف تهیه این مواد غذایی خوشمزه کند تا همشهریان خویش از خوردنش لذّت ببرند بنام استاد محمدرضا محمودپور، که به اوستا زاغی معروف می باشد. ایشان در سن شانزده سالگی وارد این حرفه شد و قریب دو سال در خدمت حاج محمد گزی مشغول به کار بود و سپس هیجده سال هم در کارگاه بزرگ حاج فتحعلی راهنورد که با دیگر همکارانش خدمت رسانی می کردند و او از طرف حاج آقا فتحعلی در طی چند تابستان برای دوره کامل شیرینی سازی به شهر شیراز رفت تا در آن جا مشغول به یادگیری و ساختن آن شود و با فراگرفتن این دوره موجب گردید کیفیت شیرینی جات بهتر به دست مشتری برساند. قنادی حاجی در بوشهر با تابلو"قنادی نوشین" (که برداشته از نام یکی از قنادی های معروف شیراز بود و این قنادی نوشین در بوشهر هم به دلیل مرغوبیت شیرینی هایش مورد پسند مردم قرار می گرفت) تا امروز هم از شهرت و اعتبارِ خوبی برخوردار است که به دست فرزندان صالح آن زنده یاد اداره می گردد. اوستای شیرینی پز محمدرضا حدوداً بیست و سه سال هم به خاطر خوش سلیقگی و خلاقیتی که داشت در کارگاه قنادی قدیم در بازار قنادی آقای محمد اسلاملو فعالیت داشت و این بزرگوار از سن جوانی علاوه بر کار طاقت فرسایی که انجام می داد، علاقه مند به ورزش هم بود و عصر روزها در باشگاه نیرومند بوشهر در رشته وزنه برداری تلاش می کرد و بعد از پنج سال کوشش مداوم در این رشته ورزشی، مقام سوم استانی را بدست آورد و برنده مدال برنز شد.

از خیابان دروازه قدیم وقتی می خواستی در بازار قنادی زیر طاق عبور کنی، دکان داران شریف و با ایمان اوایل دهه چهل خورشیدی از سمت راست: ابتدا دکان کل عوض نیاکان که میوه های اعلا می فروخت، بعد دکان عباس کاسب لوکس فروشی که لباس و کفش و عطر داشت (بوتیک امروز)، قصابی شکرالله تقی نژاد که به شکری قصاب مشهور بود، دیگر دکان مشهدی غلامحسین گراشی شغل قنادی و دستی هم در هنر شیرینی پزی داشت (پدر حاج مصطفی گراشی مداح اهل)، و قنادی محد ابریم (محمدابراهیم قنادیان) و علی عبیدی که نخست کفش و پوشاک به فروش می رساند و سپس لوازم خانگی داشت، مشهدی گرگعلی همیشه بهار بقالی، پارچه فروشی اسحاق یهودا در نبش بازارچه مسگری ها، در این قسمت بازارچه مسگری ها صداهایی مانند کوبیدن چکش بر مس و جلی سازها و لحیم گری که محیط را احاطه کرده بود و هر رهگذری با گفتن خدا قوت به کاسبین هنرمند در آن جا که باعث رفع خستگی آنان می گردید. بازاریان در این جا دکان کوچک عطرفروشی احمد میرشکار، عطاری آقای باغکی و عطاری محمدحسین درویش منش و سید ماشاالله جاویدی فروشنده وسایل ماهیگری (هداک)، بزازی نصرالله معرفی و ملا حسین تبرتیشه که شغلش گنگویی ظروف ها و چینی بند بود، مشهدی حسین قلی نعمتی هم لحیم گری می کرد و در آخر سرنبش دکان مسگری مشهدی ابول، با ورود به بازار قنادی نشانه ای از عطر و بوی خوش شیرینی ها متنوع بود که مشتری را به طرف خرید جذب می کرد.

دوره گردهای شرینی فروش هم در بازار کاسب بودند از جمله مشهدی عوض آج که مسقطی و حلواساز بود و در مجمعه (سینی بزرگ) گذاشته و بر سرشِ قرار می داد و با یک کرسی (چهارپایه) کوچک در دستش و با خواندن (قوت زانو) به فروش می رساند، قوسو یا کُوسو (اسم مستعار کیکاوس) هم گز آردی که در جعبه داشت و به مشتری عرضه می کرد و در فصل تابستان هم به باقله فروشی مشغول بود. در سمت چپ بازار قنادی، اول دکان کرم کشاورز دارنده ساندویچی به نام مرغ طلایی که مورد استقبال مردم قرار گرفت، حسن جمهیری بقال و بعد رمضان خرمزی که به شغل لبنیاتی مشغول بود، کل رضا پوردرویش بقال بود، دکان قنادی محمد اسلاملو، قنادی کل ابرایم کهزاد (آقای ابراهیم کهزاد که بعد از فوت ایشان دکان متعلق گردید به ماندنی قرصی و یا پشمکی.آقای ماندنی کهزاد که هم از اقوام و شاگرد آن مرحوم بود)، دکان کله پزی محمدحسن (آقای محمدحسن شریعت زاده)، محمد مهاجر حلبی سازی داشت، کل حسن نوذری عمده فروش در اجناس بقالی (بُنکدار)، سیدحسن موسوی خیاط معروف، نانوای خداخواست بیشکی و ... (اسامی کاسبان آن دوره بنابر آن چه که معروف بوده اند نوشته شده است).

دکان قنادی حاج محمد گزی رو به روی بازار قنادی در سال ۱۳۴۵ شمسی تعطیل و پس از هفت سال در سنهٔ ۱۳۵۲ کافه قنادی «نگرو» با وسعتی بزرگ و دو طبقه مدرن بعد از کوچه مسجد پیرزن (فاطمه زهرا) افتتاح گشت و پسر بزرگش آقای حمید گزی در آن جا مشغول به کار شد و نامبرده پس از اندک مدتی فعالیت در آن جا، مدیریت این کافه قنادی مشهور را به برادرش احمد گزی واگذار کرد. وی راغب در کارش و با تلاش زیاد سبب شد یک درخشندگی و تحولی در صنف قنادی در شهر بوشهر پدید آورد. این اولین کافه قنادی بود که یخچال ویترینی و با شیرینی های جدید خشک و تر و خامه ای (رولت و نون خامه ای) و کیک های تولد با طرح های متنوع داشت که متقاضی زیادی داشتند و تهیه آن ها به وسیله اوستاد و کارگرانی بود که از شهرهای دیگر می آمدند، در دو طبقه آن به صورت کافه قنادی پذیرایی می شد و طبقه فوقانی خانوادگی بود که مردم به صرف شیرینی و پالوده و بستنی مراجعه می کردند. «نگرو» پر آوازه که برگرفته از نام یک قنادی معروف در آبادان بود تا سال ۱۳۸۲ خورشیدی دایر بود و دیگر فعالیتی ندارد.

(با تشکر از محمدرضا محمود پور، پیشکسوت صنف قنادان بوشهر)

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



اخراج محمود ملاکی از آموزش و پرورش در بوشهر



خبر می رسد که دادگاه اداری (هیات رسیدگی به تخلفات اداری) طی حکمی، محمود ملاکی بازرس کانون صنفی معلمان استان بوشهر را به انفصال دائم از خدمت محکوم نموده است. به گزارش کانون صنفی معلمان استان بوشهر از آنجا که سابقه کار محمود ملاکی زیر بیست سال می باشد (۱۹ سال) صدور این حکم منجر به اخراج کامل وی شده و بازنشستگی شامل وی نمی شود.

درگذشت مجری و خبرنگار صدا و سیمای مرکز بوشهر در حادثه تصادف



حسین دهقان از خبرنگاران و مجریان توانمند صدا و سیمای مرکز بوشهر در حادثه تصادف جان باخت.

به گزارش خبرنگار ایرنا، حسین دهقان از خبرنگاران و مجریان توانمند استان و صدا و سیمای مرکز بوشهر پس از اجرای برنامه یادواره شهدای شهر جم در مسیر بازگشت به بوشهر در حوالی روستای گادوی شهر اهرم مرکز شهرستان تنگستان دچار سانحه رانندگی شد و جان خود را از دست داد.

وی یکی از مجریان توانمند استان بوشهر به شمار می رفت که در چندین جشنواره ملی صاحب رتبه برتر شده بود و داوری بخش‌هایی از این جشنواره‌ها نیز بر عهده داشت.

به مناسبت هشتم مارس روز جهانی زن

از سَتّاره فرمانفرمائیان تا مسموم سازی دختران

دکتر سعید معدنی



اواسط دهه ۱۳۸۰ شمسی بود که یکی از دانشجویان دختر دانشگاه ما پس از اخذ لیسانس مددکاری اجتماعی جهت ادامه تحصیل به یکی از دانشگاههای استرالیا رفت. وی در یکی از ایمیل‌هایش نوشته بود نمی‌دانم اینجا برخی چه تصوری از ما دارند. از من می پرسند مگر در ایران رشته‌ی مددکاری اجتماعی وجود دارد؟ من هم در جواب گفتم نه تنها داریم بلکه ۵۰ سالی است که این رشته در کشور ما تاسیس شده است. وقتی تعجب‌شان بیشتر می شود که می‌فهمند بنیانگذار این رشته در ایران یک زن بوده است.

سَتّاره فرمانفرمائیان(۱۳۰۱– ۱۳۹۱) در سال ۱۳۳۷ رشته مهم، مفید و پرکاربرد مددکاری اجتماعی را در ایران تاسیس کرد و عنوان "مادر مددکاری اجتماعی ایران" را به خود اختصاص داد. فرمانفرمائیان اولین دانشجوی ایرانی دانشگاه کالیفرنیای جنوبی بود که مدرک لیسانس جامعه شناسی گرفت و سپس دوره فوق لیسانس را در دانشگاه شیکاگو گذراند. وی به عنوان یکی از زنان پیشرو در علم مددکاری در جهان محسوب می‌شود و از سوی دانشگاه هاروارد در لیست زنان تاثیرگذار تاریخ آمریکا قرار دارد. پس از فعالیت های فراوان در آمریکا به همراه هیاتی به خاور میانه اعزام می‌شوند تا وضعیت آسیب‌ها و مسائل اجتماعی این منطقه از جهان را مطالعه کرده و راههای کمک به مردم محروم را پیدا کنند. در همین دوره بود که ابوالحسن ابتهاج، رییس وقت سازمان برنامه و بودجه در سفری به عراق با ستّاره فرمانفرماییان ملاقات کرد و از او دعوت کرد به ایران بازگردد. ستّاره به ایران بازگشت و «آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی تهران» را تاسیس کرد. بدین ترتیب ۶۷ سال قبل یک زن این رشته ارزشمند را در ایران ایجاد می کند.

دانشجوی مذکور ما در ادامه ایمیل هایش نوشته بود که برخی از دانشجویان کم اطلاع به خاطر وجود پسوند اسلامی بر روی حکومت ایران تصور می کنند که ما شبیه القاعده و طالبان هستیم و از من سوال می‌کنند که شما چطور درس خوانده‌اید و آیا زنان در ایران به راحتی تحصیل می کنند؟ وی در پاسخ گفته بود نه تنها ما می توانیم تحصیل کنیم حتی الان رئیس دانشکده سابق من و مدیران سه تا از گروههای آموزشی همان دانشکده زن هستند!

زنان ایران در یکصد سال گذشته از هر امکان و فرصتی استفاده کرده‌اند تا صلاحیت و توانایی خود را نشان دهند. آنها علاوه بر فعالیت مانند مردان، می‌بایست با سنت‌ها و باورهای بازدارنده از سوی برخی خانواده‌ها و بخش‌هایی از جامعه نیز مبارزه کنند. لذا انرژی مضاعفی را به کار می‌برند تا جایگاه اجتماعی خود را در مقام پزشک و مهندس و معلم و استاد و کارگر و کارمند بدست بیاورند.

پس از انقلاب زنان در پاره‌ای امور اجازه حضور و فعالیت داشتند اما در برخی دیگر در قیاس با مردان با ممنوعیت و محدودیت‌هایی مواجه شدند. مثل موسیقی و آوازخوانی، پوشش و حجاب، مشارکت در بسیاری از رشته های ورزشی قهرمانی و مانند آن. اما در امور تحصیل، زنان بسیار موفق بودند.



این روزها کسانی پیدا شده اند که اقدام به مسموم سازی دختران می‌کنند. تا الان معلوم نشده چه کسانی و با چه نیتی این کار را انجام می‌دهند. احتمال می‌رود تفکر طالبانی و بوکوحرامی پشت این قضیه باشد. آنها می‌خواهند زنان را بترسانند و از تحصیل و حضور اجتماعی‌شان محروم کنند. ولی این امر شدنی نیست زیرا امروزه نه تنها زنان خودشان فعال و پیگیر امور خود هستند بلکه حمایت خانواده‌ها و مردان را نیز با خود دارند. من در دوران تدریس‌ام دیده‌ام پدری را که تنها دارایی خود که یک ماشین پیکان بود فروخت تا دخترش به تحصیلات عالی ادامه دهد.

امروزه مردان پشتیبان مهمی برای زنان هستند. نقل می‌کنند پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ برخی دانشجویان انقلابی "موسسه عالی مددکاری" برای ستّاره فرمانفرمائیان پرونده‌سازی کردند و اتهاماتی مثل درباری بودن، همکاری با اسرائیل، اختلاسگر و... به وی وارد کردند. مدتی هم مورد بازجویی قرار گرفت ولی در نهایت با کمک آیت‌الله طالقانی از مرگ رهایی یافت و بعدها از کشور خارج شد و در سال ۱۳۹۱ در آمریکا درگذشت. وی کتابی با عنوان "دختری از ایران" دارد که خاطرات خود را نوشته است. شاید اگر مساعدت امثال آیت‌الله طالقانی نبود به سرنوشت تلخی شبیه فرخ‌رو پارسا –اولین زن وزیر در ایران – دچار می‌شد.

بمناسبت گرامیداشت روز بوشهر

روز بوشهر و محیط زیست

حسین شادکامی



بوشهر از دیر باز، تاریخی به قدمت اولین زندگی انسانها در جوار آبهای سرکش اقیانوس ها دارد. تمدن اولیه انسانی در حاشیه ساحل شمالی خلیج فارس که در ادوار اعیلامی ها، مادها پارس ها (هخامنشیان) ساسانی ها و اعراب تا به امروز با نام های «لیان، سیراف، بوخت اردشیر، ریشهر، ابوشهر و بوشهر» به خود گرفته است.

زندگی مردمان این خطه در نوار ساحلی با دریانوردی و ماهیگیری و میانی آن کشاورزی و دامپروری همراه بوده و پلی میان مردمان آن دیار با مردمان خارج همانند ملوار،رنگبار، هندوستان، شبه جزیره عربستان تا دریای عرب و آن سوی قاره ها و در داخل سرزمین مادری ایران بوده و انتقال نوآوری ها در عرصه فرهنگ و روابط اجتماعی، اقتصاد و سیاست تا به امروز در تاریخچه خود مکتوب دارد و تمثیل نهنگ پیر(سید محمد جعفر حمیدی) که در امتداد سواحل خلیج فارس به طول ۹۲۰ کیلومتر آرامیده ،خوانده می شود، و توانسته مردمانی سخت کوش و دریادل بر روی پهنای سرزمینی خود بپروراند.

امروزه بوشهر در اقتصاد کلان کشور توانسته نقش پایتخت انرژی (نفت و گاز)، دریانوردی، شیلات، نخیلات و تجارت با ظرفیت های بالا به خود اختصاص دهد. از آنجایی که در توسعه و پیشرفت کمتر به نقش دریامحوری و زیست بوم منطقه ای و دریایی در طول سواحل توجه شده، لذا میزان انواع آلودگی ها در شریان های حیاتی آن روز به روز بیشتر می شود که عواقب پیری زودرس و مرگ حیاتی آبی و خاکی را بدنبال دارد. لذا به پاسداشت این روز گرامی از این سرزمین اجدادی و میراث کهن شایسته است تا در حفظ و صیانت از زیست بوم منطقه‌ای (آبی و خاکی) گامی های عملی و بزرگ برداشت تا بتوانیم ماندگاری این دیار عزیز را در طول تاریخ سرزمینی ایران و جهان باقی نگهداریم.

برگزاری دوره آموزشی خبرنویسی در دانشگاه پیام نور بوشهر

چگونه یک خبرنگار شویم؟



کارگاه خبر نویسی مخصوص دانشجویان نشریات دانشجویی استان بوشهر، در دانشگاه پیام نور مرکز بوشهر برگزار شد.

این کارگاه آموزشی به همت کانون رسانه و فضای مجازی و همچنین کانون گویندگی و اجرا دانشگاه پیام نور مرکز بوشهر برگزار شد.

در ابتدای این کارگاه مصیب اشکی مدیر امور فرهنگی دانشگاه پیام نور ضمن خوش آمد به شرکت کنندگان این کارگاه، درباره اهمیت برگزاری این دوره‌های خبرنویسی برای پربارترشدن نشریات دانشجویی صحبت کرد.

در ادامه دکتر یونس قیصی زاده سر دبیر هفته نامه نسیم جنوب و مدرس این کارگاه، در رابطه با اجزی خبر، ارزش‌های خبری، عناصر خبری، مفاهیم اساسی در خبر نویسی مطالبی را همراه با نمونه عملی آنها بیان نمود.

شرکت کنندگان در این کارگاه آموزشی با انواع خبر و نحوه نگارش انواع تیتر نیز آشنا شدند.

در ادامه کارگاه نوبت به مبحث مهم عکاسی خبری رسید که این موضوع به طور کامل در این کارگاه مورد بررسی قرار گرفت.

در این کارگاه تیترها، خبرها و عکس‌های خبری روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های سراسری در هفته جاری مورد بررسی و با نکات گفته شده در کارگاه، مورد ارزیابی قرار گرفتند.

در این کارگاه کار عملی به شرکت کنندگان داده شد و آنها با خلاقیت هر چه بیشتر خود، آن را انجام دادند.

به شرکت کنندگان در کارگاه خبر نویسی، گواهی معتبر از دانشگاه پیام نور بوشهر داده می‌شود.